



سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس
ارتش جمهوری اسلامی ایران

ترور در سرزمین مظلوم

نویسنده : محمد حسن صادق زاده بوده

سال ۱۳۹۰

صادق زاده پوده ، محمد حسن ، ۱۳۴۰

ترور در سرزمین مظلوم / نویسنده محمد حسن صادق زاده پوده

تهران : سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران ،

۱۳۹۰

۱۲۲ ص: مصور

۴۰۰۰۰ ریال ۴-۷-۰۳۰۰-۶۰۰-۶۷۸

فیفا: داستان های فارسی - قرن ۱۴

جنگ ایران و عراق ، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - خاطرات

سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران

PIR ۸۱۳۱ الف ۴۱۶ ت ۴ ۱۳۹۰

۸ فا ۳۱۶۲

۲۳۷۷۹۱۹

ترور در سرزمین مظلوم

مؤلف : محمد حسن صادق زاده پوده

صفحه آرای و طرح جلد : حسن گل

ویراستاری : بهزاد میراحمدی

کنترل نهایی : محمدرضا تقی زاده

نوبت چاپ : اول

سال چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان : ۴۰۰۰

چاپ ، لیتوگرافی ، صحافی : چاپخانه کوروش

شابک ۴-۷-۰۳۰۰-۶۰۰-۶۷۸

قیمت ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری

اسلامی ایران

رسته‌ای اعزام و پس از اتمام دوره به لشکر ۵۸ منتقل و در سمت فرمانده گردان توپخانه خدمت نمود. پس از یک سال به لشکر ۲۸ منتقل و در آن لشکر مسئولیت رئیس آجودانی لشکر و جهاد خودکفائی را عهده‌دار گردید. نامبرده جهت نیاز خدمتی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ در آمادگاه اصلی اصفهان خدمت نمود و نهایتاً در سال ۱۳۷۳ به لشکر ۷۷ پیاده پیروز خراسان منتقل و مسئولیت رئیس آجودانی و فرمانده خدمات آن لشکر را هم زمان عهده دار بود و با درجه سرهنگی به افتخار بازنشستگی نائل گردید.

معرفی نویسنده



محمد حسن صادق زاده در سال ۱۳۲۶ در اصفهان متولد و در سال ۱۳۴۵ به استخدام ارتش در آمد، در سال ۱۳۵۳ وارد دانشکده افسری شد. پس از دریافت درجه ستوانی به هنگ دانشجویان اصفهان

منتقل گردید. در ماه‌های اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مدتی به علت فعالیت در جهت پیروزی انقلاب اسلامی بازداشت شد. از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۲ عهده‌دار مشاغل چون مسئولیت انجمن اسلامی پادگان سقز، فرمانده آتشبار توپخانه، سرپرستی عقیدتی سیاسی تیپ ۲ سقز، مسئول بسیج کردستان و فرمانده گروهان قرارگاه شمال غرب و رئیس بازرسی لشکر ۲۸ سنندج بوده است. از سال ۱۳۶۲ به اصفهان منتقل و در مشاغل تدریس در دانشکده پدافند هوایی، رئیس بازرسی گروه ۵۵ توپخانه و استاد قوانین تیر دانشکده توپخانه صحرایی مشغول انجام وظیفه بوده است. مشارالیه در سال ۱۳۶۵ به دوره عالی

گاهی هر چه اعمال نیک آنان را پنهان می‌کنی صدایش از جای دیگر برون می‌آید گویا خدای سبحان قصد دارد با قلم یا قدمی اقدام یک گمنام را آشکار کند. گویا اراده خدای سبحان بر آن قرار گرفته که باید اجر هیچ محسنی ضایع نشود. نباید در لابه لای زحمات این سیل خروشان، عملکرد صادقانه یک ملت، تلاش یک سرباز صادق، مومن و متعهد پنهان بماند. خدای را شاکریم که جناب سرهنگ صادق زاده بازنشسته شد. تا بازنشسته شد، قلم به دست گرفت گویا مسئولیت‌های گوناگون او را در لاک خود فرو برده بود. تا پیشگسوت گردید قلم به دادش رسید و بخشی از توان او که ناشناخته بود، آشکار شد. او قصد داشت راز دل گمنامان را بر ملا کند، خودش هویدا شد. قلم او، وی را رسوا کرد. شب‌ها بیدار نشست و آنچه در دل داشت بی‌تکلف بر روی کاغذ آورد و نوشت.

نوشت و نوشت و نوشت تا آنچه در سینه دارد به ریزش قلم آراسته و معنویات دل خود را به رشته تحریر درآورد.

او از حامد و پدریزرگ گرفته تا اشک هجران و مروارید غلطان و شبی در دارساون را نوشت. با ۱۴۰۰۰ صلوات ادامه داد تا ثابت کند باز شکاری هیچگاه خسته نمی‌شود و نمی‌ایستد که

سخن ناشر

سطر به سطر تاریخ ایران اسلامی مملو از فداکاری و ایثار است. هرکس که در این سرزمین رضوی^(ع) زیست کند بر خود می‌بالد که در میان چنین مردمانی زندگی کرده و در کنار آنان زیسته است.

در میان این مردم سلحشور و همیشه در صحنه انسان‌های گمنامی وجود دارند که نه خود دوست دارند نامی از آنان به یاد آورده شود و نه ایران اسلامی زمینه مطرح شدن آنان را فراهم کرده است. گویا همه دست به دست هم داده‌اند تا عملکرد آنان در لابلای سطور تاریخ ایران سلامی مدفون شود.

وقتی زندگی این عزیزان واکاوی می‌شود، ضمن این که دردل به آنان بارک الله خواهی گفت، یکی از درون صدا می‌زند که یواش‌تر! مبادا کسی بفهمد، زیرا او هم دوست نداشته، عملش بر ملا شود.

چه می‌شود کرد؟!!

- ۱.....سخنی باخواننده
- ۳.....در جستجوی کاروان
- ۵.....کتاب مناسک
- ۶.....آخرین کاروان
- ۷.....فرودگاه جده
- ۸.....کنجکاوی
- ۸.....افکارستوان
- ۱۰.....شوخی زیبا
- ۱۱.....قرارباخدا
- ۱۲.....تروور با بمب
- ۱۲.....شایعه درهواپیما
- ۱۴.....دوستیابی
- ۱۵.....بی خبری
- ۱۶.....سربازشرفی
- ۱۷.....نوع معامله باخدا
- ۱۷.....پایان انتظار

بازنشسته نامیده شود. او خستگی را خسته کرد و به جوانان این پیام را داد که بنویسید ساده‌ترین چیزها را که برای یادگیری هیچ وقت دیر نیست!

سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران این افتخار را دارد که وقتی او از ساخت و ساز ساختمان و برج به قصد استراحت نشست، به سراغ او رفت و قلم به دستانش داد و گفت هر چه در دل داری بنویس! بنویس که تا دیر نشده رازی در دلت نماند. او می‌نویسد و با نویسندگی زندگی می‌کند و از خداوند می‌خواهد سال‌ها سایه‌اش بر سر خانواده باقی بماند.

او قلم را گرفت و نوشت! امروز افتخار داریم که یکی دیگر از دل نوشته‌های او را به جامعه عرضه کنیم. امید است گرچه بی‌عیب و نقص نیست اما به حرمت ریش سفید او که پدر شهید نیز هست، با دقت بخوانید و از نظرات سازنده، انتقادات پویا و یاری دهنده تان این سازمان را بهره‌مند سازید و به روح فرزند شهیدش و تمامی شهدای ارتش اسلام فاتحه‌ای قرائت کنید.

و من الله التوفیق

سر نیپ دوم ستاد حسن سیفی

- ۳۳ هدف بمب گذار صیاد بود.
- ۳۴ دلواپسی.
- ۳۵ اجازه مرخصی.
- ۳۷ تمهیدنامه در مقابل آزادی.
- ۳۸ دیدن فرمانده با دلهره.
- ۴۰ سؤال از خودم.
- ۴۱ موافقت نیروهای ارتشی.
- ۴۲ روز دوم عملیات.
- ۴۳ نیروهای کمکی.
- ۴۵ فرصت فکر کردن.
- ۴۶ نماز جماعت در حرم.
- ۴۷ مسافر مرموز.
- ۴۷ حصر آبادان.
- ۴۸ اغلب شهدا در کردستان ترور شدند.
- ۵۰ آمادگی برای روز سوم عملیات.
- ۵۳ جاده آلوده.
- ۵۵ روز سوم عملیات.

۱۸	بازرسی.....
۱۸	مسجد جحفه.....
۱۹	احرام اهل سنت.....
۲۰	خبر خوب.....
۲۱	ثبت نام برای حج.....
۲۲	مشکل پول حل شد.....
۲۴	مأموریت جدید.....
۲۶	منافقین مردم را ترور می کنند.....
۲۶	فی الوادی.....
۲۷	حرکت بسوی سنج.....
۲۷	دغدغه برادران.....
۲۸	هماهنگی.....
۲۹	دفتر فرمانده لشکر.....
۲۹	انفجار بمب.....
۳۰	کارهای غیر ارادی.....
۳۱	در بیمارستان.....
۳۲	سقف کاشی.....

- ۷۹مرور بر گذشته
- ۸۱بمب گذاری، رسوایی ضد انقلاب
- ۸۲کلاس مناسک
- ۸۳حرکت به سوی عرفات
- ۸۴روز عرفه در عرفات
- ۸۴حرکت به طرف مشعر
- ۸۶حرکت بسوی مکه
- ۸۷واریسی اعمال
- ۸۸استقبال از صیاد
- ۸۹دلشوره در جلسه
- ۹۰اجازه ترک جلسه
- ۹۱چند ثانیه دیرتر
- ۹۱کمک خواستن از خدا
- ۹۳دلسوزیهای نیش دار
- ۹۶حرکت به تهران
- ۹۷محمود قبل از اسارت
- ۹۸اوضاع شهرسندج

- ۵۶..... استقرار دیدبان
- ۵۷..... خطر حتمی
- ۵۸..... کمک خداوند
- ۶۱..... انفجار همین یا خطر تروریستی سوم
- ۶۴..... چرا صیاد
- ۶۵..... شعار نویسی
- ۶۸..... بازدید سر پرست استانداری
- ۶۹..... چرا در فیلم نبود
- ۷۰..... آوار بی انصافیها
- ۷۲..... زمین گیر شدن دشمن
- ۷۳..... نهیب حضرت امام
- ۷۴..... ندیده می دانند
- ۷۵..... هتل خلوت بود
- ۷۵..... برائت از مشرکین
- ۷۶..... نصب عکس
- ۷۷..... ملاقات با جوان مصری
- ۷۸..... دعوت برای شرکت در جلسه

۱۱۴.....سنگ قبر حاج حسین

۱۱۵.....بازگشت به خود

www.ketab.ir

- کردستان قبل از انقلاب..... ۱۰۰
- دست فروشان در کردستان..... ۱۰۰
- میلی شی یا..... ۱۰۱
- آزمون قضاوت..... ۱۰۲
- سفر مشهد مقدس..... ۱۰۲
- محمود در اسارت..... ۱۰۳
- مرور داستان در اسارت..... ۱۰۴
- زندگی با داستان..... ۱۰۵
- آزادی یا خارج شدن از احرام..... ۱۰۶
- فرار از داستان..... ۱۰۶
- خبر آزادی..... ۱۰۸
- فراموشی..... ۱۰۸
- محمود در آزادی..... ۱۱۰
- محمود بازاری می‌شود..... ۱۱۱
- به دنبال گمشده ناشناخته..... ۱۱۲
- مرگ هدایتگر..... ۱۱۳
- عکس حاج حسین..... ۱۱۳

کتاب حاضر حکایت واقعی از یک سفر است که نویسنده به همراه دانشمند فقید مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین قاسمی به مکه معظمه داشته است. این داستان، ذکر یک ترور نافرجام بر علیه بزرگ مردی ماندگار و عملیاتی موفق را نیز درون خود جای داده است و سعی گردیده است، اسامی نقش آفرینان داستان حتی الامکان حقیقی باشد، تا ضمن شاهد بودن بر صحت نگارش، تجلیلی هم از رشادت های آنها به شود.

والسلام

محمد حسن صادق زاده بوده

سخنی باخواننده

در روزگار ما وقایعی به دست دشمنان دین اتفاق افتاد که تاریخ، مشبهه آن را به جز در صدر اسلام، با این کیفیت و حجم کمتر به یاد نمی آورد. هر کدام از این اتفاقات فتنه‌ای جدا بود که برای دگرگون کردن جامعه‌ای بزرگ کفایت می‌کرد. اینکه در ایران این چنین نشد، اصلی‌ترین دلیلش شاخص ولایت فقیه آگاه به زمان است.

حاصل این حوادث برای مردم بینشی عمیق می‌باشد که جامعه فهیم اسلامی ما به آن دست یافته است. به طور یقین دشمنان اسلام، در آینده پیچیده‌تر از قبل، در پی خاموش نمودن این نور هدایت خواهند بود. اگر بتوانیم فرصت‌ها و چالش‌های گذشته را صادقانه تبیین کنیم، نسل‌های بعد می‌توانند در تاریخ زمان ما غواصی کرده و با بصیرتی که از مطالعه بلوای دوران به دست می‌آورند، نقشه دفاعی آینده را ترسیم نمایند. از این جهت باری بر دوش نسل اول انقلاب سنگینی می‌کند به اندازه‌ای که اگر وزین‌تر از برخورد با وقایع گذشته نباشد، به طور حتم سبک‌تر هم نیست و آن ثبت تجربیات گذشته خودشان می‌باشد؛ چرا که فتنه‌های آینده به مراتب پیچیده‌تر از قبل و دارای ماهیتی است که نمی‌شود به سادگی پیش‌بینی کرد و نوع طراحی آن نیازمند اطلاعات لازم خواهد بود.